

✕ خارج از مرز

ارتش عراق از نظر تجهیزات نظامی و آموزش سربازان بسیار جلوتر از ایران بود؛ اما دو مشکل اساسی داشت که در بسیاری از اسناد و گزارش‌ها به آن‌ها اشاره شده است: نداشتن استراتژی مشخص و روحیه پایین سربازان درگیر در جنگ. این مسئله خصوصاً پس از آن که عراق روی دور شکست افتاد، خودش را نشان داد. یک تحلیل‌گر غربی پس از نبرد فتح‌المبین، می‌گفت: «اسرای عراقی که در تلویزیون این‌جا نشان داده شدند، حتی خسته و رنجور به نظر نمی‌رسیدند. آن‌ها جنگیدند، همگی تسلیم شدند.» او می‌گفت این عملیات نقطه‌ی عطفی در جنگ است و می‌گفت بعید می‌داند صدام دیگر بتواند حمله‌ای بزرگ را تدارک ببیند و بازی را برگرداند.

Ⓣ صف اسرای عراقی در عملیات فتح‌المبین. فروپاشی سامان نیروهای دفاعی عراق پس از مقاومت اولیه عجیب بود.



Ⓣ ارتش صدام گمان می‌کرد تمام راه‌های ورودی ایران برای عملیات را بسته است. حتی برای احتمال هلی‌بُرُن نیروها و فرود چترباز هم فکر کرده بودند و ماشین‌ها و آهن‌آلاتی را عمودی در زمین کاشته بودند.

سرهنگ صاحب‌کاظم پیچیدگی‌های این خطوط دفاعی را این‌گونه روایت کرده است: «هر خط دفاعی با یک میدان مین به عمق چهارصد متر که بیشتر آن‌ها ضدنفر و تله‌گذاری شده‌اند، تقویت شده است. در جلوی هر خط دفاعی حدود پنج تا شش متر معبر به عرض پانزده متر در میدان‌های مین ایجاد شده است که خطوط دفاعی را به یکدیگر متصل می‌کند و معمولاً در امتداد خیابان‌های آسفالت شهر است. این معبرها با نوار پارچه‌ی سفید و در شب با نوار شیرنگ و فانوس و مواد فسفری مشخص شده‌اند. ارتفاع خاکریز هر خط دفاعی بین سه تا چهار متر است. در هر میدان مین، مقدار زیادی مین به کار برده شده که در مجموع، به صورت دژ محکمی در آمده است. در خط دفاعی یکم (ساحل کارون)، تعداد یازده بشکه مواد آتش‌زا (احتمالاً

استفاده شده است. به دلیل احتمال تهدید و حمله به خرمشهر یا تهدید جاده‌ی خرمشهر-شلمچه، جاده‌ای از پل نو در امتداد نهر فیلبه و روستای فیلبه تا روستای خین و سپس، روی جاده‌ی مرزی شلمچه تا روستای حدود احداث شده است که به خاکریز عراق وصل می‌شود و بدین ترتیب، ارتش عراق می‌تواند نیروهای خود را از جنوبی‌ترین منطقه تدارک کند. در منطقه‌ی ایستگاه گرم‌دشت در غرب و عمود بر جاده هم، خندقی به طول پنج کیلومتر احداث شده است.



مدیریت راه‌های عراق مسئول عریض کردن نهر خین شده و این نهر از پاسگاه حدود تا شلمچه و سپس تا هورالعظیم امتداد یافته است. همچنین، یک پل فلزی به طول هشت متر روی خین در شلمچه احداث شده که آب کانال از زیر آن عبور می‌کند.»

✕ قدرت ایران

آن‌چه به نیروهای ایران کمک می‌کرد شناسایی دقیق وضعیت دشمن بود که بخشی از آن با تصاویر ماهواره‌ای به دست می‌آمد و بخشی از بازجویی‌ها از فرماندهان اسیرشده و بخشی نیز با شناسایی نزدیک که بسیار دقیق انجام می‌شد؛ «گروهی از نیروهای شناسایی بارها از رودخانه‌ی کارون گذشتند و هر شب ده‌ها کیلومتر پیاده منطقه را شناسایی کردند. پاهایشان تاول زده و زخم شده بود؛ دردناک. شبی خواستند به بچه‌ها استراحت بدهند. فرمانده می‌گفت امکان ندارد. به هیچ‌وجه. یک

ترکیبی از ناپالم و نفت) که از طریق لوله‌هایی به ساحل رودخانه متصل است، احداث شده که در صورت احساس خطر با اشتعال آن‌ها سطح کارون برای مدت تقریبی چهل تا پنجاه دقیقه با شعله‌ی آتش پوشانده خواهد شد و فرصتی برای نیروهای مدافع پدید خواهد آورد. این بشکه‌ها با کیسه‌گونی شن استتار و حفاظت می‌شود. از این نوع بشکه‌ها در منطقه‌ی مسئولیت تیپ ۲۲ تعداد هفت بشکه، در منطقه‌ی تیپ ۱۱۳، تعداد دو بشکه و در منطقه‌ی یگان‌های کماندو، یک بشکه تعبیه شده است. در مواقع ضروری، مواد آتش‌زا با گلوله‌های آتش‌زا و احتمالاً شعله‌افکن آتش‌زده می‌شود.»

و توضیح داده بود که «منطقه‌ی کارون و خرمشهر با یک شبکه‌ی مدار بسته‌ی تلویزیونی که مرکز آن در قرارگاه تیپ ۲۲ است، پوشش داده شده است و تمامی حرکات کنترل می‌شود. در قسمت‌های باز شمالی خرمشهر و جنوب جاده‌ی خرمشهر-شلمچه، برای جلوگیری از فرود چترباز میله‌های زمینی به ارتفاع دو متر کار گذاشته شده است و افزون بر آن از تمامی خودروهای اوراکی و منهدم‌شده نیز که اغلب، به صورت تله در آمده‌اند،



شب عقب افتادن عملیات هم به صلاح نیست. خودم همراهان می‌آیم. می‌گفت تمامش کنید. دستتان باید به جاده بخورد. می‌خواست مطمئن شود گردان‌ها شب عملیات بدون درگیری تا جاده می‌روند. می‌گفت اگر قبل از رسیدن به جاده با عراقی‌ها درگیر شوند، قتل‌عام می‌شوند. بچه‌های شناسایی پوست و استخوان شدند. هر کدام ده، دوازده کیلو کم کرده بودند. اما شب آخر به جاده دست زدند. آن‌قدر رفتند بین عراقی‌ها شناسایی که جای دقیق تمام امکانات و تجهیزات عراقی‌ها را بلد شدند.»



✕ منابع پرده‌ی ششم

- 1982, April 3; **The Age**
- 1982, April 8; **The Guardian**
- قلب مقاومت، جعفر شیرعلی‌نیا، سعید زاهدی، فاتحان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- نشریه‌ی نگین ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره‌ی هشتم.